

## بررسی جایگاه حزب در اندیشه شهید بهشتی

### امین خوش بیان سروسناری<sup>۱</sup>، مهرو ماهر<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

---

#### چکیده

از آنجایی که شهید بهشتی از بزرگ‌ترین تئوریسین‌های انقلاب اسلامی بود، قطعاً بررسی اندیشه‌های وی در مسئله حزب می‌تواند گشایشی در جهت شناخت و انگیزه پیوستن افراد به احزاب کنونی ایجاد کند؛ زیرا معنا و مفهوم و همچنین انگیزه انجام فعالیت‌های سیاسی در اسلام و اندیشه وی در جایگاه رهبری دینی با سایر مکاتب سیاسی متفاوت بوده و اهداف دیگری را جستجو می‌کند. از این‌روی این پژوهش می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که دلایل ایجاد تشکلهای سیاسی از منظر آن شهید چه بوده و چه اهدافی را دنبال می‌کند. از لحاظ روشی نیز از اندیشه‌های آن شهید در باب حزب، برای پاسخ به این پرسش‌ها بهره‌برداری شده است.

---

**واژه‌های کلیدی:** آموزه‌های قرآنی، اندیشه شهید بهشتی، حزب و تشکیلات سیاسی.

---

**۱. مقدمه:**

با توجه به شرایط کنونی جمهوری اسلامی ایران در خصوص تهدیدات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، نیاز به کادر سازی و حضور نیروهای مؤمن با ایجاد زمینه گسترش مردم‌سالاری دینی و نیروهای اجتماعی به‌عنوان محور اصلی مقابله با تهدیدات پیش روی امری واجب و لازم به شمار می‌آید. چراکه نظام‌های سیاسی که مبتنی بر همکاری نهادینه‌شده رهبران سیاسی، ساختار حکومتی و گروه‌های اجتماعی می‌باشد، از ثبات و تعادل بیشتری در مواجهه با تهدیدات برخوردارند. در تهدیدات امروزی، ایمان دینی افراد به‌عنوان مهم‌ترین هدف دشمن مطرح می‌باشد و می‌کوشد تا از هرگونه انسجام هنجارهای دینی با گسترش تضادهای فرهنگی و سیاسی جهت رویارویی گروه‌های مذهبی استفاده نماید؛ بنابراین حضور مردم در صحنه به‌صورت فعال و زنده یکی از دغدغه‌های پیش روی بشمار می‌آید؛ زیرا مردمی که زمینه‌های لازم را در حزب و تشکیلات سیاسی کسب نمایند می‌توانند در مواقع لازم در مقابله با دشمن نقش‌آفرینی نمایند. از اینجاست که تحزب و تشکل‌های سیاسی اهمیتی دوچندان داشته و باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

**۲. تعریف:**

پیشینه حزب در غرب به دو سده اخیر باز می‌گردد که با بسط سکولاریسم، حزب مقوله‌ای برای پر کردن خلأ دین و کلیسا در جوامع غربی بود. در ایران نیز همزمان با نهضت مشروطه، احزاب شکل گرفتند و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران با وجود موافقان و مخالفانی به حیات خود ادامه دادند. حزب در لغت به معنای جماعتی از مردم، پیروان و هم‌مسلمانان شخص، بهره و قسمت آمده است. اما در اصطلاح هر کس از منظری بدان توجه نموده، بنابراین تعاریف متعددی را شامل می‌شود. مدیسن معتقد است که: «حزب عده‌ای از افرادند که چه در مقام اکثریت باشند و چه در مقام اقلیت، بر اساس منافع و هدف‌های سایر افراد و نیز منافع و هدف‌های دایمی و کلی جامعه در تضاد است، با یکدیگر طرح اتحاد ریخته‌اند.» (محمدمدی نژاد، ۱۳۵۵، ص ۳۵) دوزنه می‌گوید: «حزب مجموعه‌ای از گروه‌های پراکنده در اطراف کشور است که از طریق سازمان‌های هماهنگ‌کننده به هم پیوسته‌اند.» (دوزنه، ۱۳۶۵، ص ۴۲۶) دیوید رابینسون نیز به این نکته اشاره می‌کند که: «حزب گروهی سازمان‌یافته از کسانی است که دیدگاهی مشترک دارند و درصدد دستیابی به قدرت سیاسی می‌باشند.» (رابرتسون، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰)

با بررسی مفاهیم و تعاریف گوناگون، در مجموع می‌توان گفت: حزب در سیاست، سازمانی سیاسی است که به دنبال تأثیرگذاری در حکومت می‌باشد. این تأثیرگذاری معمولاً از طریق نامزد کردن کسانی با دیدگاه‌های همسو با حزب صورت می‌پذیرد. احزاب معمولاً به دنبال به کار بستن ایدئولوژی خاص با دیدگاهی مشخص هستند که با اهدافی معین در ساختار و برنامه‌هایشان ذکر شده است و باعث پدیدآیی افرادی با اهداف یکسان حول محور حزب می‌شود. با توجه به تعاریف‌های حزب می‌توان کار ویژه‌هایی از جمله: «تنظیم خواسته‌های مردم جهت ابلاغ به حکومت و تلاش در جهت تحقق آرمان‌ها، تشویق شهروندان به مشارکت در انتخابات، سازمان‌دهی و متمرکز ساختن نیروهای پراکنده و متشتت جامعه در جهت اهداف حزب و دفاع از حقوق شهروندان در قبال دستگاه‌های اجرایی کشور» (نوروزی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷) برای آن در نظر گرفت. نظام تک‌حزبی، دوحزبی و چندحزبی از انواع نظام‌های حزبی به شمار می‌آید. در کشورهایی با احزاب یگانه که فقط حزب حاکم وجود دارد و هم او تمام قدرت را در اختیار دارد، حزب مسلط؛ یعنی حزبی که در بین جمیع احزاب آن قدر قوی است که می‌تواند رقبای خود را با فاصله زیادی پشت سر گذارد. نظام دوحزبی که رایج‌ترین آن‌ها در جوامع انگلیسی و آمریکایی است و قدرت به تناوب بین دو حزب دست‌به‌دست می‌گردد. نظام چندحزبی؛ که اغلب دموکراسی‌های به‌اصطلاح غربی در این دسته از احزاب جای می‌گیرند. (مدنی، ۱۳۸۶، شماره ۶۶)

### ۳. جایگاه حزب در قرآن:

قرآن برای بیان تشکیلات سیاسی در جامعه از واژه حزب الله استفاده می‌کند. «حزب الله، طیف گسترده اجتماعی و سیاسی است که کلیه نیروهای مسلمان و متعهد را شامل می‌شود و بدون احتیاج به هرم تشکیلاتی، وظایف اعضای آن بنا بر بینش و امکانات موجود مشخص می‌شود.» (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۰) بدون شک حزب در اصطلاح قرآن و متون دینی به معنای نوین آن نیست. بلکه در فرهنگ اسلامی رابطه عضو و تشکیلات، رابطه‌ای مخصوص و فراتر از اهداف حزب به معنای امروزی است. این طیف به هیچ گروه و تفکر خاصی وابسته نیستند؛ زیرا هدف از ایجاد آن وحدت و همسویی در جهت ستیزی با دشمنان خدا، استضعاف زدایی، نفی استکبار، ظلم‌ستیزی، برپایی و گسترش عدالت می‌باشد. از این روی از افراد با نظریات مختلف می‌خواهد تا حول نقاط مشترک متحد شده و تلاش خود را به سمت وسوی اهداف متعالی هماهنگ سازند. از جمله ادله‌ای که دین مبین اسلام ضرورت مشارکت سیاسی مردم را در امور حکومتی ایجاب می‌کند می‌توان به مواردی اشاره کرد:

۱. تعاون در کار نیک: یکی از دستوره‌ای دین مبین اسلام به مسلمانان داشتن تعاون و همکاری در کارهای خیر و نیک است: *وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى*. (مائده/۲)

۲. فریضه امر به معروف و نهی از منکر: یکی از اهداف و عملکردهای احزاب و تشکل‌ها نظارت بر کار حکومت و جامعه است. در اسلام امر به معروف و نهی از منکر متوجه تمامی افراد جامعه می‌باشد. احزاب نیز می‌توانند با توجه به مسئولیت همگانی و بازتاب اعمال افراد در سرنوشت دیگران، در این خصوص به ایفای نقش بپردازند: *وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ*. (آل عمران/۱۰۴)

۳. اهمیت کار شورایی: خداوند در قرآن کریم به رسولش سفارش می‌کند که در امور به شور و مشورت بپردازد: *وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ* (آل عمران/۱۵۹) و مؤمنان را کسانی معرفی می‌کند که امورشان را بر اساس شور و مشورت به انجام می‌رسانند: *وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ*. (شوری/۳۸)

۴. مصادیق آزادی فرد: یکی از حقوق انسان‌ها در اسلام، آزادی فردی است. طبیعی است در این باره انسان می‌تواند با رعایت موازینی به فعالیت‌های گروهی و اجتماعی بپردازد. (ملک‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳)

با توجه به این مصادیق و آموزه‌های قرآنی، اصل بیست و ششم قانون اساسی بیان می‌کند: "احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت." اما در فعالیت‌های سیاسی این نکته را نباید فراموش کرد که تفکر سیاسی در قرآن به عنوان هسته مرکزی حیات سیاسی یک مسلمان متعهد، بسی فراتر از مفهوم تحزب (به معنای تلاش در جهت کسب قدرت) است؛ زیرا ملاک عمل مسلمان تنها ایمان و تعهدی است که در برابر اسلام، خداوند و سایرین بر عهده خویش احساس می‌کند و هدف نهایی تمامی فعالیت‌های سیاسی تحقق آرمان‌های مقدس اسلام می‌باشد. بنابراین افراد می‌توانند با در نظر گرفتن اصولی که در این اصل بدان اشاره شده است به کار و فعالیت سیاسی اهتمام ورزند.

### ۴. شهید بهشتی و تشکل‌های سیاسی:

برای شناخت اندیشه‌های شهید بهشتی در باب تحزب، باید با جهان بینی وی درباره انسان و جهان توجه کرد. در اندیشه وی که ملهم از آموزه‌های قرآنی و اسلامی است، جهان عبث و بیهوده آفریده نشده است و خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده و در خدمت نسل بشری قرار داده است. انسان نیز در دستگاه فکری شهید بهشتی مخلوقی حق‌گرا و کمال‌جوست؛ که فطرت و خمیرمایه سرشت این انسان نه تنها با حق سر جنگ ندارد، بلکه با حق پیوندی اصیل دارد. او انسان را طبعاً فردگرا، اجتماعی، سیاسی، عقلانی، آزاد و کمال‌پذیر می‌داند که به خاطر دارا بودن این ویژگی‌ها بر سایر موجودات امتیاز و برتری دارد. وی در این باره می‌گوید: «همه این مقطع آفرینش برای این است که میدانی رنگارنگ و متنوع برای عمل و کار انسان به وجود بیاید

و انسان در مسابقه به خیرات و نیکی‌ها در این میدان بس گسترده و وسیع قرار گیرد و نهان انسان با راه و شیوه عملی که دارد، آشکار گردد و معلوم شود که در میان این موجودات زنده، کدام برنده و کدام بازنده‌اند؟... یعنی این مقطع از هستی دارای آهنگی است و آهنگش برای عمل انسان‌ها، برای کار انسان‌ها و برای تلاش انسان‌هاست. تلاشی که هدفش مشخص شدن این است که چه کسی نیکوکارتر است. (بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۵۴) از اینجاست که وی نتیجه می‌گیرد اگر خلقت انسان هدفمند است بنابراین قوانین و مقررات و نظام‌های اجتماعی یعنی نظام پاسداری از حق و عدالت، باید طوری ترسیم گردند که زمینه‌های دستیابی به این اهداف محقق گردد.

با توجه به این جهان‌بینی، بهشتی جایگاه حزب در نظام اسلامی را این‌گونه تعریف می‌کند: «حزب در نظام اسلامی، یعنی گرد هم آمدن و سازمان یافتن و سازمان پذیرفتن افرادی که همدیگر را می‌شناسند و به همدیگر اعتماد دارند، به اسلام معتقد هستند، به عنوان یک دین و یک نظام اجتماعی، اقتصادی و معنوی. می‌خواهند بر پایه حاکمیت اسلام، جامعه اسلامی را اداره کنند یا در اداره آن جامعه اسلامی سهیم گردند. (بهشتی، ۱۳۶۱، ص ۶۵) از این‌روی در بیست و نهم بهمن ۱۳۵۷ یعنی چند روز پس از پیروزی اسلامی، موجودیت سیاسی حزب جمهوری اسلامی را باهدف تلاش برای تداوم انقلاب اعلام کرد؛ زیرا معتقد بود وقتی انقلاب پیروز می‌شود نوبت به تداوم انقلاب، نوبت به مدیریت، نوبت به برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف روحی و معنوی، فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، خانوادگی، بهداشتی و امثال آن‌ها می‌رسد... همه این‌ها احتیاج دارد به نیروهای ساخته‌شده و کارآمد، نیروهایی که باهم همفکر باشند... اگر همه نیروها بر مبنای این برنامه‌ها حرکت و تلاشی هماهنگ جهت تداوم انقلاب به وجود آورد...» (قاسمی، ۱۳۶۰، ص ۱۳۸)

شهید بهشتی معتقد بود برای دستیابی به این اهداف است که جامعه باید سازمان یابد. از این‌روی برای به حرکت درآوردن جامعه ایستا، سازمان‌دهی و تشکیلات را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانست و می‌گفت: «در جامعه، هر قدر اندام‌ها و ارگان‌های سازنده، متنوع‌تر و گوناگون‌تر و به کارهای مختلف مشغول‌تر، تشکل و نظام اساسی و شبکه میان افراد و سازمان‌های اجتماع وسیع‌تر و قابل اعتمادتر است.» (موسوی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۱۷۱)

از دیدگاه شهید بهشتی افراد باید در قالب احزاب در امر سیاست دخالت نمایند زیرا فردی که حق دخالت ندارد در واقع آزاد نیست؛ و کسی که زمان را درک کرده است عالم به زمانش می‌باشد و باید این حضور آگاهانه را حفظ نماید. او معتقد است که اگر مردم در صحنه نباشند، در هر حکومتی احتمال دیکتاتوری وجود دارد. بنابراین رابطه یک‌طرفه با مردم را نفی می‌کرد چنانکه در فرازی بیان می‌کند: «من اصلاً رابطه یک‌طرفه را نمی‌پسندم و می‌گویم در هر جامعه‌ای که رهبری رابطه یک‌طرفه دارد، جامعه به رشد واقعی خودش نرسید و بسیار عالی است که ما امامت عمومی هم داشته باشیم؛ یعنی کل ملت هم در امامت صحیح است.» (روزنامه اطلاعات، ۱۲ آذر ۱۳۵۸) وی حدود حزب را معیارهای اسلامی می‌داند و می‌گوید: «باید همه معیارهای اسلامی را در همه حال رعایت کنیم، اگر این‌طور نشد، اینجا به‌جای اینکه محل عبادت باشد، لانه شیطان خواهد بود.» (مرادی، ۱۳۸۷، ص ۱۱) او تفاوت جامعه اسلامی را در موضوع حزب با جوامع دیگر در همین موضوع می‌داند و می‌گوید: «جامعه اسلامی، نه چون جامعه‌های در بسته اردوگاه مارکسیسم است که انسان را در پشت دیوارهای آهنین نگهدارند و نه چون جامعه لیبرال غربی است که بازار مکاره عرضه بی‌ضابطه آراء و افکار باشد و در این‌باره به‌راستی، جامعه اسلامی نه شرقی است، نه غربی.» (موسوی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵)

از دیدگاه آیت‌الله بهشتی مهم‌ترین هدفی که تشکیل یک حزب و گروه می‌تواند داشته باشد ایجاد تشکیلاتی است که از طریق آن شناخت و پرورش استعدادها در یک جامعه ممکن شود: «اینکه استعدادها را چگونه باید شناخت و بعد از شناختن چگونه باید پرورش داد، مسئله‌ای مهم و اساسی در هر جامعه‌ای است. در جامعه‌ای که استعداد انسان به هدر برود و به‌جای پیدا کردن راه باز و شکوفایی، همواره به سد و مانع شکفتگی برخورد کند، در جامعه‌ای که صاحبان ارزش و استعداد به‌جای تشویق، همواره عقب رانده شوند، در جامعه‌ای که انسان به‌جای حرکت در خط انسان‌تر شدن و رشد کردن، به‌سوی خطوط انحرافی و تملق و چاپلوسی و جلب نظر افراد یا گروه‌هایی معین کشانده شوند، نمی‌توان امیدوار بود که استعدادها بارور شوند.» (بنیاد نشر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰) در نظر ایشان جهت شناسایی، سازمان‌دهی و فراهم کردن میدان شکفتگی استعدادها فقط از راه

تشکیلات و تشکل است که چنین محیطی ایجاد می‌شود: «یک تشکیلات نیرومند در حقیقت محل تلاقی استعدادها و محل شناسایی متقابل استعدادهاست.» (همان، ص ۱۴۱) و در جای دیگر هدف تشکیل حزب را سازمان‌دهی و کادر سازی نیروهای اجتماعی می‌دانست از این‌روی می‌گفت: «باید تشکل داشت و الا حوادث می‌آید بر ما مسلط می‌شود. اگر آدم بی‌برنامه باشد، اگر نیروها بی تشکل باشند، اگر برنامه‌ریزی و رهبری مناسبی نباشد حوادث می‌آیند ما را این طرف و آن طرف می‌برند. درحالی‌که شأن انسان این نیست. شأن انسان این است که او مسلط بر حوادث باشد. ما در رابطه انسان با تاریخ می‌گوییم: انسان بیش از آنچه که ساخته تاریخ باشد، سازنده تاریخ است.» (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ تیر ۱۳۶۰) اگرچه آن شهید حزب را باعث پیشرفت و تحرک یک جامعه می‌دانست اما برای آن ویژگی‌هایی قائل بود که در مجموع می‌توان به مواردی اشاره کرد:

۱. تشکیلات حزب باید عبادت داشته باشد ۲. نباید بت یا لغو یا لهو باشد باید به درد مردم بخورد و سودمند باشد ۳. دائماً باید مراقبت کند خودخواه نباشد، خداخواه بماند ۴. آزادی‌های انسان‌ساز در درون حزب حفظ شود ۵. کار حزب ساختن ناقص‌ها است نه حذف آن‌ها ۶. جاذبه در حد اعلائی امکان و دافعه در حداقل ضرورت در درون حزب و نظام سیاسی ۷. هدف از ایجاد یک حزب، محکم سازی ارتباط آزادانه میان انسان‌ها است ۸. مرز حزب و خط قرمز آن اصول اسلامی است نه ملاحظه‌های مصلحت جویانه ۹. حزب نباید انحصارطلب باشد ۱۰. حزب در خدمت انقلاب است نه انقلاب در خدمت حزب ۱۱. قدرت‌طلبی به هر شکل ممکن، حزب را حزب شیطان می‌کند ۱۲. تک‌حزبی مانع رشد و تعالی جامعه است ۱۳. حزب نباید میراث‌خوار انقلاب باشد ۱۴. مشی سیاسی حزب باید مکتب اصیل و پویای اسلام باشد ۱۵. حزب نباید وارد معاملات باندی و جناحی بشود. (مهاجرنیا، ۱۳۸۸، ص ۴۶۲)

## ۵. نتیجه‌گیری:

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت جایگاه تحزب در اندیشه شهید بهشتی به‌عنوان رهبری که در شکل‌گیری و هدایت انقلاب در تمامی مراحل نقش بسزایی را ایفا نمود مربوط به جهان‌بینی وی در خصوص هدف آفرینش و انسان می‌باشد. در نگاه او انسان موجودی آزاد و تربیت‌پذیر است که می‌تواند تاریخ را ایجاد کند. از این‌روی پس از پیروزی انقلاب تمام تلاش خویش را در جهت ایجاد تشکل‌های مختلف معطوف ساخت. در اندیشه وی تشکل و حزب، پلی برای کسب قدرت و شهرت نیست بلکه وسیله‌ای برای خدمت به خلق و تربیت نیروهای انقلابی به شمار می‌آید. زیرا تداوم انقلاب منوط به افرادی است که دارای ایدئولوژی اسلامی باشند. حزب می‌تواند علاوه بر تربیت این افراد، وظیفه منسجم کردن و همسو نمودن آن‌ها را نیز بر عهده دارد. بنابراین ترویج فرهنگ تحزب و تشکیلات خرد جمعی را در جهت دفاع از فرهنگ، اعتقادات و نظام ارزشی اسلام را امری ضروری محسوب می‌کرد. با توجه به اهمیت این موضوع، خود ایشان پیش‌تاز این حرکت شدند. تأسیس کانون اسلامی دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم در سال ۳۹-۴۰، عضویت در شورای فقهی مؤتلفه اسلامی در سال ۴۲، تأسیس جامعه روحانیت مبارز در تهران در سال ۵۶-۵۷ و ایجاد حزب جمهوری اسلامی ایران در سال ۵۷ نمونه‌های اساسی این ادعا است.

## منابع:

۱. قرآن کریم
۲. بهشتی، محمد، (۱۳۹۲)، "حق و باطل"، تهران: بقعه
۳. دورژه، موریس، (۱۳۶۵)، "جامعه‌شناسی سیاسی"، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴. رابرتسون، دیوید، (۱۳۷۵)، "فرهنگ سیاسی معاصر"، ترجمه عزیز کیاوند، تهران: البرز
۵. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۹۰)، "مبانی اندیشه سیاسی اسلام"، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۶. عباسی ولدی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، "افلاکیان زمین"، تهران: شاهد

۷. قاسمی، سید فرید، (۱۳۶۰)، "یادنامه شهید مظلوم،" قم: نشر قدس
۸. فیرحی، داوود، (۱۳۹۱)، "رهبری و حکومت در اندیشه شهید بهشتی،" فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱
۹. محمدی نژاد، حسن، (۱۳۵۵)، "احزاب سیاسی،" تهران: انتشارات امیرکبیر
۱۰. مدنی، سید جلال، (۱۳۸۶)، "تاریخچه مختصر حزب در ایران،" ماهنامه زمانه شماره ۶۶
۱۱. مرادی، فرشته، (۱۳۸۷)، "سید محمدحسین بهشتی،" تهران: میراث اهل قلم
۱۲. ملک‌زاده، محمد، (۱۳۹۰)، "مبانی دینی قانون اساسی ج.ا.ا،" تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۳. موسوی مقدم، رحمت‌الله، (۱۳۸۵)، "آزادی‌های اجتماعی در نگاه شهید بهشتی،" فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوم شماره ۴ و ۵
۱۴. مهاجر نیا، محسن، (۱۳۸۸)، "اندیشه سیاسی متفکران اسلام ج ۳،" تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۵. نوروزی، محمدجواد، (۱۳۸۵)، "فلسفه سیاست،" قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۱۶. "روزنامه جمهوری اسلامی ایران،" ۱۲ آذر ۱۳۵۸
۱۷. "روزنامه جمهوری اسلامی ایران،" ۱۶ تیر ۱۳۶۰
۱۸. "روزنامه جمهوری اسلامی ایران،" ۲ شهریور ۱۳۶۰
۱۹. "روزنامه اطلاعات،" ۱۲ آذر ۱۳۵۸